



«گلر» همان گل سرخ است

نگاهی کوتاه به کتاب «ای کاش گل سرخ نبود»

گواهی تجرد، راه حل اطلاع از ازدواج سابق



زن و شوهر چه قبل از آغاز زندگی مشترک چه پس از آن، باید با صداقت و راستی درباره برخی موضوعات با یکدیگر گفتگو کنند...

یک از هشت

گفت‌وگو با زهرا علایی، یکی از علمای دوران جنگ و یکی از ۸ دخترانی که برای دفاع در مقابل بعضی‌ها هوا را ترک نکرد



۲۲

شهر بانو

صفحه ویژه بانوان مشهد

کوسه ۲۰۲۰ ۳۱ صفر ۱۴۴۲ شماره ۳۳۰۷ روزنامه شهرار

شنبه



نقش مادران در ایجاد هویت ملی

هویت ملی مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زبانی، فرهنگی و روانی است که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود و اصلی‌ترین حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و هویت‌های عام فراملی است...

زنان مبارز و ۸ سال دفاع

در هر رویداد سیاسی و نظامی، ردی از حضور و نقش آفرینی زنان وجود دارد. به ویژه جنگ که می‌تواند مهم‌ترین و اثرگذارترین رخداد زندگی اجتماعی انسان‌ها باشد. در پس چهره کریمه و در آوار جنگ، دفاع از ارزش‌ها و فداکاری تا پای جان تاریخ‌ساز می‌کند. ۸ سال جنگ تحمل‌شده از سوی عراق، از چنین منظری نمی‌تواند بدون داشتن سویی‌های زنانه بررسی شود. توجه به این سویی‌ها زنانه هرگز به معنای نادیده‌انگاری رشادت‌های مردان و پسران دست از جان شسته نیست، بلکه تنها می‌کوشد حق زنان را از لایه‌های گفته‌ها و ناگفته‌های جنگ ادا کند.



پادداشت دکتر محدثه جزایی دبیر انجمن علوم سیاسی شعبه خراسان

زهرا صداقت

مشاور امور بانوان مدیرکل بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی



زن امروز الگویی خواهد

حدود ۳۰ سال است تمام وقت بین دختران و زنان زندگی کرده‌ام، مشاوره داده‌ام و در مراکز مختلف با آن‌ها صحبت کرده‌ام و یکی از بزرگ‌ترین مشکلات را که به شکاف نسل‌ها تبدیل شده است در نبود الگویی متناسب با زندگی دختران دیده‌ام. معتمد در مشهد مقدس و در حوزه زنان هم‌گامی وجود ندارد و این فاصله باعث شده است برنامه‌های مدون و پیوسته که به رشد فرهنگی در خانواده‌ها کمک می‌کند کمتر به نتیجه برسد در صورتی که ظرفیت و معنویت بالای مشهد می‌تواند زیرساخت مناسبی برای کل کشور باشد. باید زیر سایه امام‌رضا(ع) و با اعتقاد به ولایت فقیه، به عقاید متفاوت یکدیگر احترام بگذاریم و برای کمک به نسل جوان که برای رسیدن به هویت مستقل سردرگم است، برنامه‌ریزی کنیم. در خراسان رضوی بیش از ۱۰۰ بانوی شهید وجود دارند که کمتر کسی از ایشان مطلع است. حتی تصویر برخی از این بانوان هم وجود ندارد. این بانوان شهید الگوی بی‌نظیری هستند که باید تاب‌آوری و بصیرت را از آنان آموخت و در زندگی به کار گرفت. ما باید صبوری و تاب‌آوری را با الگوهای درست به فرزندانمان نشان می‌دادیم سپس از آن‌ها انتظار رفتار مناسب می‌داشتیم. طی ۲۰ سال گذشته، تحول عظیمی زندگی خانواده‌های ایرانی را تغییر داد. ما گسست بین نسلی را جدی نگرفتیم. این روزها فاصله بین مادران و دختران باعث آسیب‌های جدی شده است. این دیگر به چند خانواده محدود نمی‌شود و هر روز شاهد نوعی آسیب جدید و متناسب با شرایط روز هستیم. حتی رسانه‌های دست‌اندرکار حضور

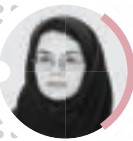
درباره اینکه زنان در نقش‌های همسر و مادر بیشترین تأثیر را در پذیرفتن ارزش‌های اجتماعی و کنترل می‌کردیم و می‌توانستیم در کنار هم بهتر کار کنیم. من هیچ قشری را از دیگری برتر نمی‌دانم و ریشه آسیب‌های اجتماعی را که این روزها کیان خانواده را نشانه گرفته است در نبود مهارت‌های زندگی و آشنایی با تصویر می‌کنم. در حقیقت، تهیه‌های سربازان و پرستاری از مجروحان، تنها بخشی از شکل حضور زنان در جنگ است. قسمت دیگری از جنگ وجود دارد که زنان به طور مستقیم و بی‌واسطه با دشمن روبه‌رو می‌شدند. در مرزهای غربی ایران، سایه سنگین جنگ چنان سلطه افکنده بود که دیگر مرزهای جنسیتی چندان به رسمیت شناخته نمی‌شد و این گونه بود که زنان سلاح بر دوش برای دفاع از میهن و ارزش‌های خود می‌جنگیدند. بر اساس آمار بنیاد شهید، بیش از ۶۰۰ شهید و ۵۰۰۰ جانباز زن وجود دارند که اگرچه اغلب آن‌ها در بمباران و حملات موشکی به شهادت رسیده‌اند، کم نیستند زنانی که در قالب حملات چریکی و شناسایی، در خاکریزهای نبرد بی‌امان به مبارزه

پراخته‌اند. از به دست گرفتن اسلحه و نگهبانی از مقرها و مسجدها گرفته تا محافظت از مهمات و تخلیه کمک‌های مردمی، تنها بخشی از کارهایی است که زنان بنا به ضرورت‌های موقعیتی به انجام آن‌ها مشغول بودند. علاوه بر این‌ها برخی زنان به عنوان نیروهای شناسایی، اطلاعات به دست آمده را در اختیار فرماندهان می‌گذاشتند. کم نبودند زنانی که با دیده‌بانی اطلاعات لازم برای انجام عملیات را به دست می‌آوردند و به نقش‌های امدادی و پشتیبانی بسنده نمی‌کردند. واقعیت این است که جنگ از مردها رشادت می‌خواهد اما از زن‌ها چیزهای گوناگونی طلب می‌کند. مردان دلورانه برای محافظت از خاک میهن و ارزش‌های خود می‌جنگند و زنان، در کنار این جنگ دلبرانه، فداکاری و استقامتی دوچندان نشان می‌دهند. این زن‌ها هستند که چشم بر گذشته آینده می‌بندند و مردانشان را راهی نبردی می‌کنند که نمی‌توان از بازگشت دامن زده است. در حالی که زنان نه تنها در پشت جبهه‌ها به این ناپدیدانگاری‌ها داشتند اما به گفته خود، حسی او را وادار می‌کرد تا نشان دهد در طول جنگ، این افرادی گناه هستند که همیشه رنج می‌برند، درحالی‌که ثروتمندان در همین حین، همواره بر ثروتشان افزوده می‌شود. عکس بیروت فرانسوا (لحظه التماس زنی فلسطینی به سربازی مسلح، وابسته به حزب مسیحی «الکتاب» لبنان) به نمادی از وحشت جنگی که حدود ۱۵ سال بر لبنان سایه افکنده بود بدل شد، جنگی که صدها فلسطینی جان خود را در آن از دست دادند. دمولدر در مصاحبه‌ای گفته است که بعد از ثبت این عکس، آن تصویر همیشگی فلسطینیان و مسیحیان دگرگون شد و به دنبال آن طرفداران حزب الکتاب هیچ گاه او را نبخشیدند. اما از طرف دیگر، این عکس به دوستی رهبر «سازمان آزادی‌بخش



هدی جاودانی

مترجم



فرانسوا دمولدر، پیش‌گام قلمرو عکاسی جنگ

فرانسوا دمولدر (۱۹۴۷-۲۰۰۸ میلادی)، عکاس فرانسوی، در سال ۱۹۷۷ میلادی، با عکس سیاه سفید که در دوران تبعید مردم فلسطین در جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۶) به ثبت رسانده بود، به اولین زنی بدل شد که جایزه بهترین عکس خبری جهان را از «رولد پرس فوتو» دریافت کرد. دمولدر و دوستان-یا گاه کریستین اسپنگلر، از خط‌شکنان رقبای-فرانسوی‌اش، کارترین لرووی و ستاره‌های ۳ خبرگزاری مهم «سیگما»، «گاما» و «اسپا» در پاریس بودند که در ۲ دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، پاریس را به قطب عکاسی جهان بدل کردند. آثار فرانسوا در مجلات و روزنامه‌های بسیاری، مانند تایم، نیوزویک، پاریس میچ و مجله آلمانی استرن به انتشار می‌رسید. او علاوه بر جنوب شرق آسیا و خاورمیانه، رویدادهای بسیاری را در کشورهای چون کوبا، پاکستان و آنتیوپی پوشش داده بود. دمولدر، در مقام یک عکاس جنگ، از جنگ نفرت داشت اما به گفته خود، حسی او را وادار می‌کرد تا نشان دهد در طول جنگ، این افرادی گناه هستند که همیشه رنج می‌برند، درحالی‌که ثروتمندان در همین حین، همواره بر ثروتشان افزوده می‌شود. عکس بیروت فرانسوا (لحظه التماس زنی فلسطینی به سربازی مسلح، وابسته به حزب مسیحی «الکتاب» لبنان) به نمادی از وحشت جنگی که حدود ۱۵ سال بر لبنان سایه افکنده بود بدل شد، جنگی که صدها فلسطینی جان خود را در آن از دست دادند. دمولدر در مصاحبه‌ای گفته است که بعد از ثبت این عکس، آن تصویر همیشگی فلسطینیان و مسیحیان دگرگون شد و به دنبال آن طرفداران حزب الکتاب هیچ گاه او را نبخشیدند. اما از طرف دیگر، این عکس به دوستی رهبر «سازمان آزادی‌بخش



آفاق

منبع: گاردین

زنان به جامعه معنای بخشند یا جامعه به آن‌ها؟



دکتر مهتاب علی نژاد
جامعه‌شناس

خودتان را در زندگی اجتماعی‌تان مرور کنید. می‌گوییم در زندگی اجتماعی به این دلیل که انسان یک موجود اجتماعی است و بدون جامعه مفهوم بیرونی ندارد. حتی زندگی فردی شما در واقعیت امر یک زندگی اجتماعی است. در این زندگی، شما چگونه زنی هستید؟ قربانی محدودیت‌های اجتماعی شده‌اید و چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارید یا محدودیت‌ها بر شما اثری ندارد و یک انسان خودمختار و صرفاً طغیانگرید که موفقیت‌ها محصول تلاش خودتان است و در شکست‌ها می‌گویید خود کرده‌اید یا تدبیر نیست یا باور دارید مبارزی تمام عیار هستید که محدودیت‌ها را می‌بینید و سعی در بهتر شدن شرایط اجتماعی و خانوادگی‌تان دارید؟ از دیگران انتظار کمتری دارید و سعی می‌کنید برای رسیدن به زندگی ایده‌آل با تلاش به نتیجه برسید؟

۳ دیدگاه وجود دارد که به ما می‌گوید جامعه و انسان چگونه ارتباطی با یکدیگر دارند. آیا انسان توسط جامعه ساخته می‌شود یا این انسان است که جامعه را می‌سازد؟ دیدگاه اول می‌گوید: ساختار جامعه انسان‌ها را شکل می‌دهد و با ایجاد ارزش‌های اجتماعی و با کمک فرهنگ و دین، برای حفظ این ارزش‌ها، یکپارچگی اجتماعی را حفظ می‌کند و انسان‌ها در ایجاد تغییرات نقش چندانی ندارند. در واقع مطیع قوانین اجتماعی هستند. دیدگاه دوم می‌گوید: اتفاقاً این انسان‌ها هستند که جامعه‌ها را می‌سازند و ارزش‌های خود را به صورت هنجار بر آن اعمال می‌کنند. دیدگاه سوم هم هست که باور دارد جامعه از تعامل ساختار و انسان ساخته می‌شود. یعنی سیستم اجتماعی بر انسان‌ها اعمال نفوذ و قدرت می‌کند. به طور متقابل، انسان‌ها نیز از طریق تعامل با قوانین و پذیرش هنجارها بر سیستم تأثیر می‌گذارند و سبب تغییر یا اصلاح آن می‌شوند. با توجه به اینکه شما

کدام دیدگاه را پذیرفته باشید هویت متفاوتی خواهید داشت. پذیرش دیدگاه اولیه پذیرش جبر اجتماعی را از سوی شما نشان می‌دهد. در این حالت، شما بر این باورید که زندگی همین است که در حال تجربه آن هستید و شما قدرت ایجاد تغییر در آن را ندارید. من یک زن موفق هستم زیرا جامعه من را جدی گرفته است و توانسته‌ام با امکاناتی که از سوی سیستم اجتماعی دریافت کرده‌ام زندگی را مطابق هنجارها بسازم. من یک زن ناموفق هستم زیرا جامعه برای من هیچ امکاناتی فراهم نمی‌کند و از حقوق اجتماعی متناسب برخوردار نیستم. با پذیرش دیدگاه دوم، شما برای خودتان حق انتخاب در برابر جبر اجتماعی قائل می‌شوید و برای شکل دادن به هویت خود، اجبارهای اجتماعی را دست کم می‌گیرید و آنچه هستید یا می‌شوید را همت و انتخاب خودتان تلقی می‌کنید. من یک زن موفق هستم زیرا خودم تلاش کرده‌ام و به اینجا رسیده‌ام. من یک زن ناموفق هستم زیرا اراده ندارم و تنبلی‌های

بسیار داشته‌ام. با پذیرش دیدگاه سوم، شما بر این باورید که ساختار اجتماعی در شکل‌گیری هویت شما نقش داشته است و امکانات و محدودیت‌هایی برای شما فراهم آورده‌اند یا بر شما تحمیل کرده است. در مقابل، شما نیز با خنثی نبودن و واکنش به هنجارها، پذیرش برخی و رد برخی دیگر، مقاومت در برابر آنچه که کاربردی و مثبت ارزیابی می‌کنید، بر ساختار اجتماعی تأثیر می‌گذارید. حقوق اجتماعی بیشتری درخواست می‌کنید و خواستار اصلاح قوانین ازدواج یا اشتغال و غیره در حوزه زنان می‌شوید. در برابر محدودیت‌های ناآرام‌دهنده که رشد و پیشرفت شما و به تبع آن جامعه را متوقف می‌کند یا به تأخیر می‌اندازد یک عضو فعال اجتماع هستید و اثری سازنده دارید. اینکه شما کدام‌یک از دیدگاه‌های مطرح شده را بپذیرید تأثیر بسیاری بر تمایل شما به بازتعریف هویتتان مطابق انتظارات اجتماعی جامعه کنونی دارد. در دیدگاه اول، شما خود را یک قربانی در برابر ساختار اجتماعی می‌بینید که جبر اجتماعی بر شما تحمیل کرده است و امکانات و محدودیت‌هایی برای شما فراهم آورده‌اند یا بر شما تحمیل کرده است. در مقابل، شما نیز با خنثی نبودن و واکنش به هنجارها، پذیرش برخی و رد برخی دیگر، مقاومت در برابر آنچه که کاربردی و مثبت ارزیابی می‌کنید، بر ساختار اجتماعی تأثیر می‌گذارید. حقوق اجتماعی بیشتری درخواست می‌کنید و خواستار اصلاح قوانین ازدواج یا اشتغال و غیره در حوزه زنان می‌شوید. در برابر محدودیت‌های ناآرام‌دهنده که رشد و پیشرفت شما و به تبع آن جامعه را متوقف می‌کند یا به تأخیر می‌اندازد یک عضو فعال اجتماع هستید و اثری سازنده دارید. اینکه شما کدام‌یک از دیدگاه‌های مطرح شده را بپذیرید تأثیر بسیاری بر تمایل شما به بازتعریف هویتتان مطابق انتظارات اجتماعی جامعه کنونی دارد. در دیدگاه اول، شما

آگاهی می‌یابید. مطابق دیدگاه سوم، اگر چه در مواردی قربانی فشارهای اجتماعی و قوانین جامعه هستید، در مواردی نیز در برابر آنچه شما را در باطن خود محدود کرده است و شما امکان قدرت مقاومت و ایجاد تغییر دارید. با پذیرش تأثیر متقابل جامعه و خودتان بر یکدیگر است که می‌توانید برای بازتعریف هویت خود اقدام کنید. حال شما از میان ۳ دیدگاه یک دیدگاه را برگزینید. این حق انتخاب را دارید که بخواهید در باقی‌مانده مسیر زندگی، خود را یک زن منفعل و قربانی شرایط اجتماعی ببینید یا یک زن توانمند تعریف کنید یا اینکه با پذیرش فشارهای اجتماعی و محدودیت‌ها، به عنوان یک انسان فعال در جامعه، به خودآگاهی مشغول شوید و سعی کنید در مواردی که سازندگی جامعه و خودتان کمک کند.

این حق انتخاب را دارید که بخواهید در باقی‌مانده مسیر زندگی، خود را یک زن منفعل و قربانی شرایط اجتماعی ببینید یا یک زن توانمند تعریف کنید یا اینکه با پذیرش فشارهای اجتماعی و محدودیت‌ها، به عنوان یک انسان فعال در جامعه، به خودآگاهی مشغول شوید و سعی کنید در مواردی که سازندگی جامعه و خودتان کمک کند.

نقیسه زمانی

گره‌شمارش ارشد پژوهش‌گر

صدف ناهید و بی‌وفایی داراب

نگاهی کوتاه به زنان در شاهنامه

داراب، فرزند بهمن، پس از پدر بر تخت سلطنت ایران نشست. مدتی از پادشاهی او گذشت که قصد جنگ با قیصر روم کرد. قیصر روم در آن زمان «فیلقوس» نام داشت. او را دختری بود زیبا که با کمالات دربار روم بزرگ شده بود. دختر فیلقوس، ناهید، در زمان جنگ داراب با رومیان به سن ازدواج رسیده بود. جنگ ایران و روم ۳ روز طول کشید. روز چهارم که لشکریان روم تاب ادامه جنگ با ایرانیان را نداشتند به ۲ دسته تقسیم شدند. دسته‌ای به لشکر ایران پیوستند و گروهی با پادشاه به حماری پناه بردند. این وضع فیلقوس را بر آن داشت تا طلب صلح کند و هدایایی به شاه ایران پیشکش نماید. فرستاده‌ای نزد داراب

فرستاد تا خواسته قیصر روم را به شاه ایران برساند. داراب با بزرگان دربارش به گفت‌وگو نشست و آنان به او گفتند که قیصر روم دختری زیبا دارد. اگر شاه بینه پسند آیدش/ به پالیز سرو بلند آیدش داراب نیز به فرستاده فیلقوس گفت که به قیصر روم بگوید راه‌هایی این است که دخترش را به همسری او فرستد. نگاری که ناهید خوانی ورا/ به او رنگ زرین نشانی ورا به من بخش و بفرست با زور/ چو خواهی که بی رنج ماندت بوم قیصر روم چون این را بشنید، بسیار خرسند شد که هم‌راهی می‌یابد و هم دامادش پادشاه ایران می‌شود و اینچنین در امان خواهد ماند. ناهید را همراه با چندین شتر که بارشان دیبای رومی و زور و گوهر بسیار بود به ایران فرستادند. گرچه ناهید در زیبایی مورد پسند شاه بود اما بوی نامطبوع دهان او داراب را ناراحت می‌کرد. چندین پزشک برای درمان فراخوانده شدند و چاره‌جویی کردند. گیاهی که سوزنده کام بود/ به روم اسکندرش نام بود گیاهی به نام اسکندر/ بر کام ناهید گذاشتند. خاصیت گیاه سوزانندگی بود و از شدت سوزش کام، چهره ناهید برافروخته شد و اشک در چشمان

او حلقه زد و سرانجام درمان حاصل شد، اما دل شاه ایران با دختر قیصر روم نبود. این چنین شد که ناهید را به دربار پدرش بازگرداندند. داراب همسری دیگر گزید. ناهید که از بدی رفتار داراب دلش به درد آمده بود، بارداری خود را از او پنهان کرد و پس از ۹ ماه که فرزند به دنیا آمد، قیصر روم نژاد ایرانی نوزاد را به اطلاع داراب نرساند. نام پسر متولد شده از ناهید را اسکندر گذاشتند. داراب نیز از همسر تازه‌اش صاحب فرزند شد که او را دارا نامیدند و از اسکندر کوچک‌تر بود. دارا بعد از داراب بر تخت سلطنت نشست و چندی بعد، فیلقوس نیز دارا فانی را وداع گفت و فرزند ناهید بر تخت حکومت روم نشست. اسکندر همچون جدش گوش به فرمان ایرانیان نبود. پس از چندی، اسکندر همراه با سپاه عازم ایران شد. سرنوشت چنین شد که جنگی میان ۲ برادر، یعنی اسکندر و دارا، رخ داد و دارا به دست یکی از یاران خود کشته شد. هنگام مرگ وصیت کرد دخترش، روشنک، همسر اسکندر شود. ناهید نیز به فرمان پسرش با هدایای بسیار و کنیزان رومی نزد همسر دارا رفت و شاهدخت را بر تختی نشاند و به نزد اسکندر آورد. مهر دختر دارا بر دل پسر ناهید نشست و روزگارشان خوش گشت.

اله‌هام یوسفی

نماینده فرهنگی

شهرزاد

شهرزاد

«گلر» همان گل سرخ است

نگاهی کوتاه به کتاب «ای کاش گل سرخ نبود»

عشق دستمایه خلق بسیاری از آثار ادبی و هنری بوده است. چه بسا اگر احساس پیچیده و پر رمز و رازی چون عشق وجود نداشت، بشر در هنر، موسیقی، ادبیات و عرصه‌های لبریز از ظرافت و زیبایی ره به جایی نمی‌برد. عشق آفریننده است و دنیای سحرآمیز و افسون‌کننده هنر مدیون حضور اوست. رمان نویس نیز عاشقانه‌های داستان‌های خود را با تکیه بر تجربه زیستی آدم‌ها آفریده است. همین هنر است که می‌تواند هم‌زمان عشق و زنانگی و مادرانگی را در کنار انقلاب و جنگ و وقایع تاریخی به تصویر بکشد. تخیل و واقعیت را در هم آمیزد و معجونی به کام مخاطب بریزد که تا سالیان دراز طعم تلخ یا شیرین آن به کام او بماند. «ای کاش گل سرخ نبود» روایتی از همین نوع است. قصه‌ای در مسیر تاریخ معاصر ایران، از زنی که می‌تواند نماینده نسلی از زنان چون خود باشد. سرگردان میان سنت و تجدد، عاشق، مبارز، صبور و گاه پیش‌بینی‌ناپذیر. منیژه آرمن در رمان خود این تصویر را در قالب شخصیت اصلی خود یعنی «گلر» به تصویر می‌کشد، زنی که در حساس‌ترین برهه تاریخی ایران یعنی زمان کشف حساب رضاخانی و تصمیم‌های سخت زندگی می‌کند و عاشق می‌شود، در بجزوه مبارزه قدم به میدان می‌گذارد و انقلاب را تجربه می‌کند و طعم تلخ جنگ نابرابر را در کالبد مادری که جز فرزند برایش نمانده است به کام خود احساس می‌کند. کتاب «ای کاش گل سرخ نبود» هم‌سفر شدن با گلر است در طول این دوره

حساس. قصه هم تلخ است و هم شیرین، هم رنج دارد و هم شادمانی و هم اندوه. با این همه، بیش از هر چیزی، امید بن مایه این داستان تاریخی است. بعد از خواندن کتاب، تصویر خانه ساده گلر برای همیشه در خاطرتان خواهد ماند و صدای آواز او بخشی از وجود شما خواهد شد. زندگی گلر تنها بخشی کوچک از تاریخ زنان این سرزمین است که در تلاطم مبارزه گذشت، زمانی که در گمنامی زیستند اما حق بزرگی به گردن تاریخ انسانیت دارند.

منیژه آرمن نویسنده‌ای است شناخته شده که آثار بسیاری به قلم آورده است. از دیگر مجموعه‌های او می‌توان به «شب و قلندر»، «بوی خاک»، «شباویز» و «سرود آرون‌درد» اشاره کرد. برشی از کتاب: اسب‌ها خسته‌اند. نفس نفس می‌زند. گویی راهی دراز را پیموده‌اند، راهی از اعماق زمان. از کجا؟ از کجا او را اینجا آورده‌اند؟! جایی که پر از صدای پیرزنی است که یک هفته آواز او در خانه سالمندان پیچیده است. پنجره‌های بخارآلود و دیوارهای سرد و خاکستری پر از انعکاس یک ترانه قدیمی ترکی است که

با آهنگی غم‌انگیز زمزمه شده است: ای کاش گل سرخ نبود. زرد و پژمرده هم نمی‌شد. ای کاش جدایی و مرگ هیچ کدام نبودند.



ای کاش گل سرخ نبود
نویسنده: منیژه آرمن
ناشر: سوره مهر

دختران جدیدالاسلام در راه مدرسه



غلامرضا آذری خاکسار
گروه‌ساز و پژوهشگر



نخستین نشانه‌های شروع به تحصیل دختران شهر مشهد به اواخر دوره قاجار می‌رسد. در سال ۱۳۳۳ قمری/ ۱۲۹۶ خورشیدی پس از اینکه فروغ آذرخشی اولین مدرسه دخترانه مشهد را تأسیس کرد، شاهد حضور دختران در مدارس نوبین هستیم، و به مرور زمان، تعدادی از مدارس دخترانه در محلات مختلف تأسیس شدند و به پذیرش دختران اقدام کردند. مدارس دخترانه‌ای همچون بانوان، عصمتیه، ارض اقدس، گوهریه و عزیزه در زمره نخستین مدارس دخترانه مشهد محسوب می‌شوند. دختران مشهدی در این مدارس آموزش‌های ابتدایی را کسب می‌کردند. جالب است بدانید در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در مجموع حدود ۵۶۶ دختر در ۶ مدرسه شهر مشهد در حال تحصیل بوده‌اند که این آمار معادل مجموعه دانش‌آموزان یک دبستان متوسط امروز است. خانم‌ها فروغ آذرخشی، بانو قهرمانی، عصمت‌الشریعه، ابوالملکی، مجاهد، هوشیاران، عالم‌تاج ضیاءمقدم، خدیجه رضایی نظامی، خانم شرافت‌الدوله، محترم ملوکیه و کوکب پورزنجیر از نخستین مدیران مدارس دخترانه مشهد محسوب می‌شوند که نقش مهمی در تحصیل و آموزش دختران آن زمان داشته‌اند. هرچند ابتدا تلاش و راه‌اندازی مدارس دخترانه راحت نبوده و در آن ایام همواره مشکلاتی در این زمینه وجود داشته است، پس از مدتی، شرایط به گونه‌ای می‌شود که تأسیس مدارس دخترانه با اقبال عمومی روبرو می‌شود. بنا بر اساس آمار باقی‌مانده، در تاریخ دوم مهرماه ۱۳۱۲، ۲۶ نفر از دختران جدیدالاسلام طی نامه‌ای به محمدولی خان اسدی درخواست کرده‌اند در مدرسه دخترانه محل سکونتشان تحصیل کنند. جدیدالاسلام‌ها به گروهی از مهاجران یهودی به مشهد اطلاق می‌شود که سابقه مهاجرت آن‌ها به این شهر به دوره افشاریه می‌رسد. این گروه پس از سکونت در یکی از محلات مشهد، به مرور مسلمان شدند و به کسب و کارهایی همچون ابریشم‌بافی و تجارت پوست و... مشغول شدند. گاه حوادث و اتفاقات موجب کدورت بین آن‌ها و مردم شده که در حافظه تاریخی معمران شهر مشهد روایت‌های متفاوتی ثبت کرده است. به قولی، کوچ جدیدها در محله عیدگاه مشهد یادگاری از حضور این گروه مهاجر می‌باشد. طبق این سند، دختران جدیدالاسلام خطاب به اسدی نایب‌التولیه وقت نوشته‌اند: «مخوتما معروض می‌داریم نظر به اینکه جدیدا شعبه مدرسه دوشیزگان در محله عیدگاه دایر گردیده و این جانبان دخترهای جدیدالاسلام که قصد تحصیل در مدرسه مذکور داریم و مراجعه به مدیره نموده‌ایم، در جوابمان می‌گویند که به واسطه نداشتن جامی توانیم محصلات قبول نماییم. متمنی هستیم مقرر فرمایید این جانبان را که دارای سجل و هویت ذیلی می‌باشیم در مدرسه مذکور قبول نمایند. موجب تشکر و مزید امتنان دعاگویان خواهد گردید. بی‌بی جان مردخانی صبه نصران... به هویت نمره ۱۳۸۵۵، بی‌بی عزیز صبه الحق نمره ۱۴۰۰۴، طولی حکیمیان صبه رحمت... نمره ۶۷۵ و...»

درخواست دختران جدیدالاسلام به اداره معارف و اوقاف ارسال و تقاضا می‌شود آن‌ها را در دبستان دوشیزگان شاه‌رضا که نزدیک محل آن‌هاست بپذیرند. طی نامه‌نگاری‌ها در نهایت درخواست محصلات جدیدالاسلام طبق مقررات پذیرفته می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد تا تاریخ این سند، یعنی سال ۱۳۱۲ خورشیدی، دخترهای جدیدالاسلام یا به مدارس دورتر از محل سکونتشان می‌رفته‌اند یا اینکه شرایط تحصیل برای آن‌ها فراهم نبوده است. بنابراین با گسترش مدارس دخترانه در محلات مختلف شهر، آن‌ها نیز در محل سکونتشان از خدمات آموزشی بهره‌مند می‌شوند.

شهربانو

بانوی شیمی مشهد

دکتر الهه کفشدار گوهرشادی، استاد گروه شیمی دانشکده علوم دانشگاه فردوسی مشهد، به‌عنوان یکی از محققان سرآمد و برتر کشور در سال ۹۷ انتخاب شده است. او در آزمایشگاه نانوی دانشکده علوم دانشگاه اسفنجی را طراحی کرده است که می‌تواند حلال‌های آبی نظیر روغن و نفت را به‌خوبی از آب جذب کند. این اسفنج تا ۳۰ بار قابل استفاده است. همچنین در زمینه حذف آلاینده‌های زیست‌محیطی، تولید هیدروژن به کمک نانوکاتالیست‌ها تحقیقات خوبی در مقیاس آزمایشگاهی انجام داده است.

۲۳ شنبه
۳۱ شهریور ۱۳۹۹
۲۹ مهر ۱۴۴۴ شماره ۲۲۷

